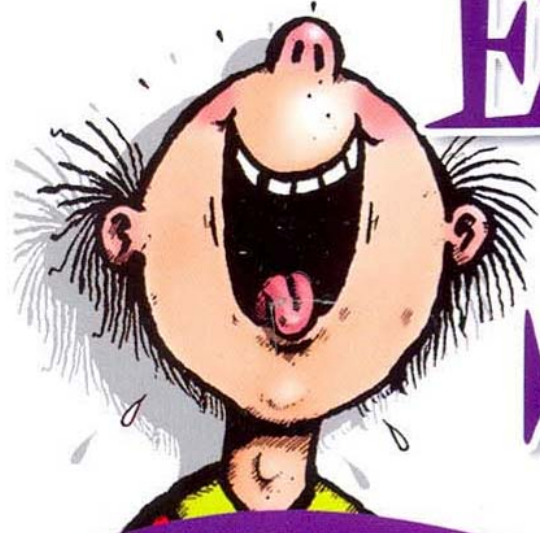


Elementary



Learn English Through Jokes

1001



ENGLISH JOKES

Abdollah Ghanbari

Flashbook Series

www.ZabanBook.com

زبان بوک



101



ENGLISH JOKES

Learn English through funny jokes.
Build your vocabulary by reading and listening
to the funny jokes.

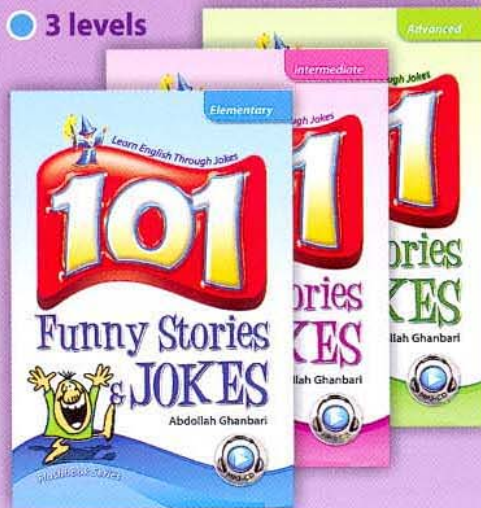
101 English Jokes is a three-level series. The series provides students with opportunity to learn English in an enjoyable way.

English jokes are proved to be another effective way to practice your reading skills.

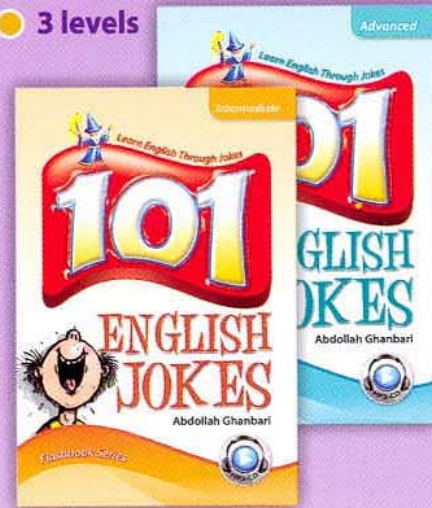
101 Funny Stories & JOKES

101 ENGLISH JOKES

3 levels



3 levels



1. Elementary 2. Intermediate 3. Advanced

www.ZabanBook.com

زبان بوک

ISBN:978-964-981-776-7



9 789649 817767



Learn English Through Jokes

101

www.ZabanBook.com

زبان بوک

Abdollah Ghanbari

MP3-CD



ENGLISH
JOKES

Elementary

Flashbook
Series

101 English Jokes

ELEMENTARY



شامل:

۱۰۱ لطیفه خنده‌دار در مورد مشاغل، افراد مختلف و موضوعات گوناگون.

همراه با CD صوتی

تالیف: عبدالله قنبری

«مدرس زبان انگلیسی دانشگاه تهران»

به نام خدا

مقدمه

دوستان عزیز:

ورود شما را به دوره‌ی آموزشی ۱۰۱ خوش آمد می‌گویم و امیدوارم از هم اکنون همراه خوبی در راه رسیدن به هدف آموزشی زبان انگلیسی شما باشم. این مجموعه که بیش از ۶۰ جلد است تمام مباحث آموزشی زبان انگلیسی را در بر می‌گیرد، لذا هر زبان‌آموز با توجه به علاقه و نیاز خود می‌تواند مبحث آموزشی مورد نظر خود را انتخاب کند.

در مورد ویژگی‌های این مجموعه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- آموزش مطالب به صورت متنوع و جذاب
- بیان مطالب آموزشی به صورت ساده و مفید
- انتقال مفاهیم آموزشی به صورت سریع و کاربردی
- خودآزمایی از مباحث آموزشی

اینک شما را با خصوصیات دوره‌ی آموزشی «۱۰۱ لطیفه انگلیسی» آشنا می‌سازم.

- 1 این مجموعه در سه سطح مقدماتی، متوسطه و پیشرفته ارائه شده است. هدف این دوره‌ی آموزشی تقویت لغت و درک مطلب دانش‌پژوهان می‌باشد.
- 2 واژه‌های مربوط به هر لطیفه سطر به سطر ترجمه شده است، بنابراین با به کارگیری این واژه‌ها در متن به مفهوم کامل لطیفه پی خواهید برد.

اختصارات انگلیسی

نشانه	انگلیسی	فارسی
adj	adjective	صفت
adv	adverb	قید
Am E	American English	انگلیسی آمریکایی
art	article	حرف تعریف
aux v	auxiliary verb	فعل کمکی
Br E	British English	انگلیسی بریتانیایی
conj	conjunction	حرف ربط
def	definition	تعریف
int	interjection	صوت یا عبارت تعجبی
n	noun	اسم
opp	opposite	متضاد
p	past	زمان گذشته
part	participle	وجه وصفی
pl	plural	جمع
pp	past participle	اسم مفعول
pref	prefix	پیشوند
prep	preposition	حرف اضافه
pres	present	(زمان) حال
pron	pronoun	ضمیر
rel	relative	موصول
syn	synonym	مترادف
US	United States	ایالات متحده
v	verb	فعل
&	and	و
/	or	یا

۳ اکثر لطیفه‌ها به صورت محاوره‌ای می‌باشند، لذا این کتاب در آموزش مکالمات روزمره نیز نقش مؤثری دارد.

۴ شکل گذشته و اسم مفعول افعال بی‌قاعده در داخل پرانتز نوشته شده است.

۵ این مجموعه‌ی سه جلدی بیش از ۹۰۰۰ لغت و اصطلاح ضروری را به علاقمندان زبان انگلیسی می‌آموزد.

۶ برای درک بهتر مطالب بعضی از لطیفه‌ها و داستان‌ها همراه با تصویر می‌باشند.

۷ شکل مترادف لغات هر داستان و لطیفه آورده شده است.

۸ در پایان کتاب تمریناتی به عنوان خودآزمایی آورده است.

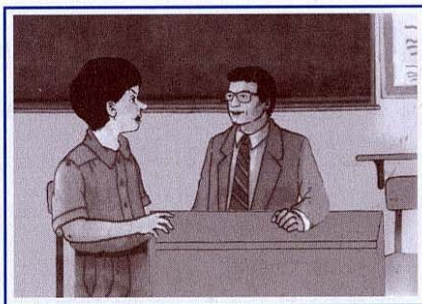
شایسته است از پسر عزیزم مهندس آرش قنبری به خاطر ارائه پیشنهادات سودمند و خانم معصومه امینی به خاطر نمونه‌خوانی سپاسگزاری نمایم. همچنین از خانم سحر خداوردی به خاطر حروفچینی و صفحه‌آرایی این مجموعه کمال تشکر و قدردانی را دارم.

در خاتمه امید است که با این کار، توفیق انجام وظیفه خود را در قبال شیفتگان زبان انگلیسی و دانشجویان راه علم داشته باشم.

با آرزوی موفقیت
عبدالله قنبری



2 The West Indies products



Teacher in school: can you name some of the products of the west Indies?

Johnny: I don't know, teacher.

Teacher: Of course, you do. Where do you get sugar from?

Johnny: We borrow it from the neighbour next door.

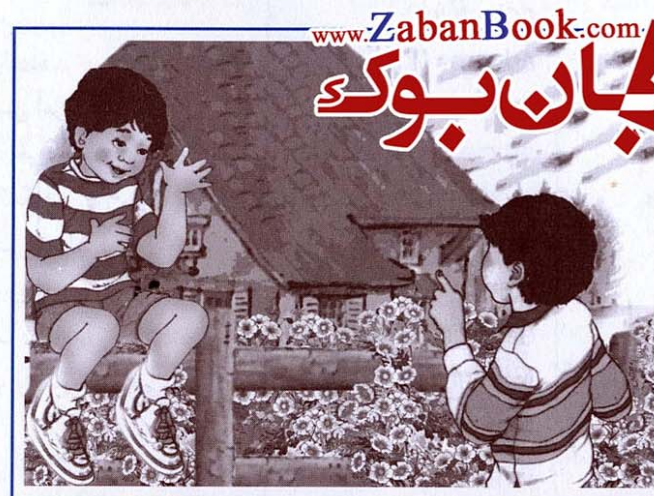
Vocabulary



واژگان

the West Indies	/ðə wɛst 'ɪndɪz/ n	جزایر هند غربی
product	/ˈprɒdʌkt US 'prɑː-/ n	فرآورده، محصول
name	/neɪm/ v	نام بردن، برشمردن
some	/səm; strong sʌm/ pron	تعدادی، چند تا
of course	/ɒf 'kɔːs US ɔːf 'kɔːrs/ adv	البته، قطعاً
<i>syn.</i> certainly		
get	/get/ v	خریدن
<i>syn.</i> buy		
sugar	/ˈʃʊəgə(r)/ n	شکر
borrow	/ˈbɒrəʊ US 'bɑː-, 'bɔː-/ v	قرض یا دستی گرفتن
neighbour	/ˈneɪbə(r)/ n	همسایه
next door	/ˈnekst dɔː(r)/ adv	پهلویی، بغلی، دیوار به دیوار

1 A New Baby



Tommy: "We have a new baby at our house."

Bobby: "Is it a girl or boy?"

Tommy: "I don't know; they have not put its clothes on yet."

Vocabulary



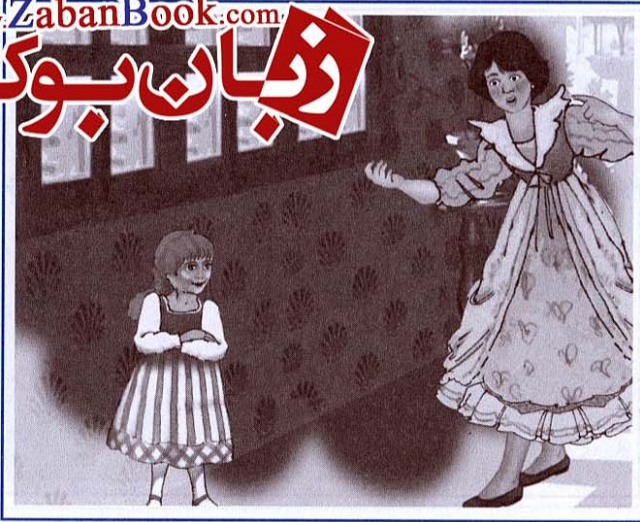
واژگان

baby	/ˈbeɪbi/ n	کودک، نوزاد
new	/njuː US nuː/ adj	نو، جدید
know	/nəʊ/ v	دانستن
put on	/pʊt ɒn/ phr v	پوشانیدن
clothes	/ˈkləʊðz, kləʊz/ n	لباس، پوشاک
<i>syn.</i> dress, clothing		
yet	/jet/ adv	[در جملات منفی یا سؤالی] هنوز، تا حالا

4 At School

www.ZabanBook.com

زبان بوک



Mother: "Did you enjoy your first day at school?"

Girl: "First day? Do you mean I have to go back tomorrow?"

Vocabulary



واژگان

enjoy	/ɪn'dʒɔɪ/ v	لذت بردن از
first	/fɜ:st US fɜ:rst/ adj	نخستین، اولین
mean	/mi:n/ v	قصد داشتن، منظور داشتن
Do you mean ...		منظورتان این است که ...
have to	/hæf tə, tu:/	مجبور بودن، ناگزیر بودن
syn. must		
go back	/gəʊ bæk/ phr v	مراجعت کردن، بازگشتن
tomorrow	/tə'mɒrəʊ US 'mɔ:-, 'ma:-/ adv	فردا

3 A Short Arm



Wife: "You never TOLD me one of your arms was shorter than the other."

Vocabulary



واژگان

short	/ʃɔ:t US ʃɔ:rt/ adj	کوتاه
arm	/a:m US a:rm/ n	بازو؛ دست [از شانه تا مچ]
wife	/waɪf/ n	همسر، زن
never	/nevə(r)/ adv	هرگز، هیچگاه
tell	/tel/ v (past t. and pp. told /təʊld/)	گفتن
syn. say to		
shorter	/ʃɔ:tə US ʃɔ:rtər/ adv	کوتاه تر
than	/ðən; strɒŋ ðæn/ conj	از، نسبت به
other	/ʌðə(r)/ pron, adj	دیگر، دیگری

6 Fresh Lobsters




Fish Dealer: "Lobsters, madam; nice lobsters. Look, they're all alive."

Lady: "Yes, but are they fresh?"

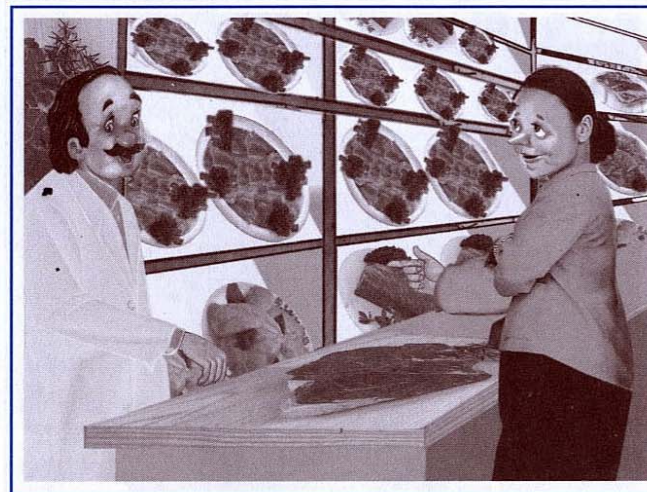
Vocabulary



واژگان

fresh	/freʃ/ adj	تازه
 <i>syn.</i> new		
lobster	/'lɒbstə US 'lɑ:bstər/ n	خرچنگ دراز
fish	/fiʃ/ n	ماهی
dealer	/'di:lə(r)/ n	فروشنده
madam	/'mædəm/ n	[در خطاب] بانو، خانم، سرکار خانم
alive	/ə'laɪv/ adj	زنده

5 The Best Butcher



Lady: "Is there a good butcher round here?"

Butcher: "Yes, Fred Higgins. He's the best."


Lady: "Is he really good?"

Butcher: "Yes, I am ... er ... yes, he is!"

Vocabulary



واژگان

best	/best/ adj	بهترین
butcher	/'bʊtʃə(r)/ n	قصاب
round	/raʊnd/ prep	اطراف
● round here		اطراف این جا
really	/'ri:li/ adv	واقعاً
 <i>syn.</i> actually		
er	/ɜ:(r)/ intj	هنگام مکث در گفتار) اِم، اِ

Vocabulary



واژگان

dirty /dɜ:ti US 'dɜ:r-/ adj کثیف

syn. unclean

have /hæv/ v (past t. and pp. had) خوردن

syn. eat

breakfast /'brekfəst/ n صبحانه، ناشتایی

wrong /rɒŋ US rɔ:n/ adj غلط، اشتباه

Break Time

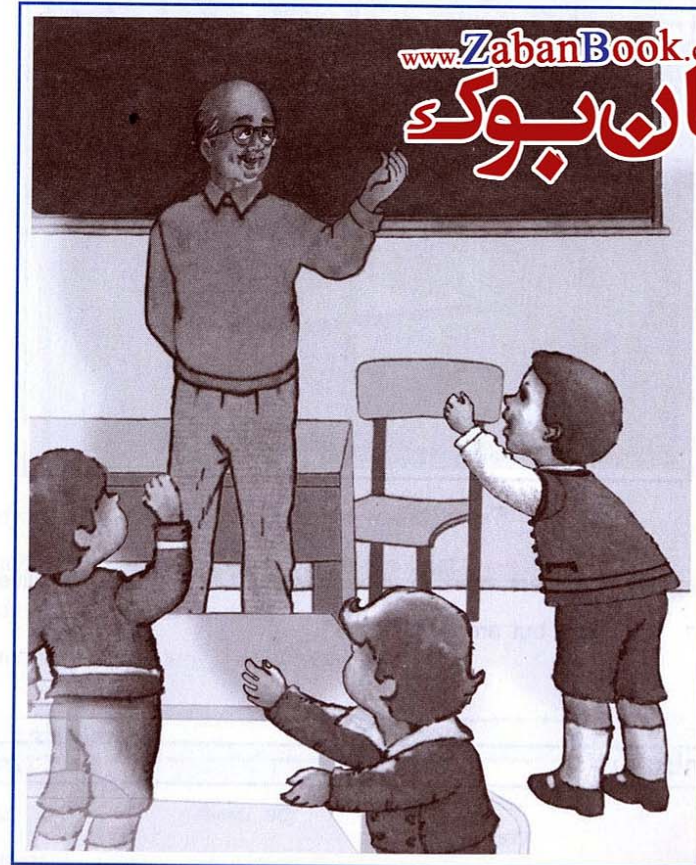
زنگ تفریح



pay through the nose

پول حرام کردن، حسابی سر (و) کیسه شدن

7 A Dirty Face



"Jimmy," said the teacher, "why don't you wash your face? I can see what you had for breakfast this morning."

"What was it?"

"Eggs."

"Wrong, teacher. That was yesterday."